یادداشت روز

اسب و شمشیر را پس بده!

شخصی را حکایت کرده‌اند که همه جا از ارادت خود به شهیدان کربلا سخن می‌گفت و دست حسرت بر پیشانی می‌زد که کاش روز عاشورا در آوردگاه کربلا حضور داشتم و به یاری امام مظلوم حضرت سیدالشهداء(ع) می‌شتافتم. روزی اهل روستا را دعوت کرد و گفت؛ دیشب خواب عجیبی دیدم. خواب دیدم عصر عاشوراست و حضرت اباعبدالله علیه‌السلام برای نبرد آماده می‌شوند. از ایشان اجازه میدان خواستم و حضرت اجازه فرمودند و اسب و شمشیری هم در اختیارم گذاشتند، بر زین نشستم و به میدان تاختم اما، انبوه لشکر دشمنان را که دیدم، بر خود لرزیدم و راه کج کرده و از صحنه نبرد گریختم و...

کدخدای روستا که در جمع حاضران بود به وی گفت؛ اینکه از میدان جنگ گریخته‌ای به خودت مربوط است و باید به توبه «نصوح» از خدای خویش طلب آمرزش کنی، اما، اسب و شمشیری که از حضرت گرفته بودی، بیت‌المال مسلمین بوده است و باید آن را باز پس بدهی و یا بهای آن را محاسبه کرده و بپردازی!...

جمعه شب گذشته - ۱۲ اردیبهشت ماه - آقای علی یونسی دستیار ارشد رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی که به شیراز سفر کرده بود، با حضور در کنیسه یهودیان این شهر، سخنانی ایراد کرد که نه فقط با آموزه‌های اسلامی، بلکه با بسیاری از آموزه‌های پذیرفته شده در میان سایر ادیان الهی نیز مغایرت داشت. اظهارات آقای یونسی تا آنجا که به شخص ایشان مربوط می‌شود، اهمیت چندانی ندارد ولی آقای یونسی با عنوان و تابلوی «دستیار ارشد رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی» در این سوی و آن سوی کشور و از جمله در جلسه جمعه شب کنیسه یهودیان شیراز حضور یافته و به ایراد سخن می‌پردازند و اظهارات ایشان به حساب نظام و مواضع و نظرات جمهوری اسلامی ایران نوشته می‌شود. این «عنوان» و «تابلو» دقیقا همان امانتی است که متأسفانه در جایگاه مناسب خود قرار نگرفته و بازپس‌گیری آن ضروری به نظر می‌رسد.

باید به این نکته نیز اشاره کرد حضور ایشان در کنیسه یهودیان شیراز و گفت‌وگو با هموطنان یهودی کشورمان که مانند سایر اقلیت‌های دینی در سایه جمهوری اسلامی ایران از آزادی عمل مذهبی برخوردارند و در بسیاری از امور ملی حضور و مشارکت دارند، و حتی در جریان جنگ تحمیلی شهدایی تقدیم داشته‌اند، اقدام شایسته‌ای بوده است و ضرورت رسیدگی به مسائل مورد توجه آنان در چارچوب نظام اسلامی را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت. ولی درباره اظهارات آقای یونسی در این نشست، صرفنظر از مخاطبان حاضر در جلسه یاد شده، گفتنی‌هایی هست که فقط به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم؛

۱- آقای یونسی می‌گوید «فرهنگ ایران عرفان‌طلب است و بیشتر روح دین و مذهب را طلب می‌کند تا ظواهر مناسک را، اما می‌بینیم که گاه سینه‌زنی را تا پاسی از شب انجام می‌دهند ولی زمان اندکی برای نماز اختصاص می‌دهند.»! که باید از آقای یونسی پرسید؛

الف؛ این اظهارات چه ارتباط و ضرورتی برای هموطنان یهودی دارد؟ مگر مسئله آنها، «سینه‌زنی» یا دغدغه برای نماز است؟! که دستیار ارشد(!) رئیس‌جمهور نگران است مبادا سینه‌زنی آنها زیاد طول بکشد و خدای نخواسته نماز صبحشان قضا شود؟!

ب: اساسا چه نیازی بود که آقای یونسی مسائل اختصاصی اسلام و تشیع را در جمع هموطنان یهودی مطرح کنند؟! اگر ایشان نسبت به مسائل یاد شده درباره سینه‌زنی و عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام توصیه‌ای دارند، به حکم عقل و شرع باید در جمع عالمان دینی مطرح فرمایند تا در صورت لزوم پاسخ روشنی نیز دریافت کنند.

ج: دستیار ارشد می‌گوید «فرهنگ ایران، عرفان‌طلب است و بیشتر روح دین و مذهب را طلب می‌کند» و سپس به موضوع سینه‌زنی و نماز می‌پردازد و توضیح نمی‌دهد که کدام عرفان مورد نظر ایشان بوده است؟! عرفان تقلبی برخی از منحرفان - مشهور به درویش‌های هندی - که به بهانه «طریقت» یا به قول آقای یونسی «روح دین»، از انجام تکالیف دینی با عنوان «شریعت» طفره می‌رفتند. همان‌ها که وقتی گفته می‌شد چرا روزه نمی‌گیرید می‌گفتند؛ همه ما مسافر آن دنیا هستیم و روزه بر مسافر واجب نیست! و هنگامی که به آنان اعتراض می‌شد که چرا نماز نمی‌خوانید؟ به بخش اول آیه شریفه «لاتقربوا الصلوه - به نماز نزدیک نشوید» استناد می‌کردند و بقیه آیه شریفه «و انتم سکاری» یعنی در حال مستی نماز نخوانید را نادیده می‌گرفتند؟!... و یا عارفان وارسته و به حق پیوسته‌ای نظیر حضرت امام(ره)، آیت‌الله میرزا حسینقلی همدانی، آیت‌الله قاضی تبریزی، آیت‌الله شاه‌آبادی، آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و صدها عارف وارسته دیگر که عارفان فقیه‌اند و بیرون از انجام تکالیف شرعی و پایبندی به آداب شریعت، به هیچ طریقتی قائل نبوده و نیستند و... به عنوان نمونه - و فقط نمونه- همه آن بزرگواران بر اقامه عزای سالار شهیدان(ع) و سینه‌زنی و سوگواری برای حضرت اباعبدالله(ع) و یاران شهید آن حضرت توصیه اکید دارند تا آنجا که حضرت امام راحل ما (ره) می‌فرمایند محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است و آیت‌الله قاضی‌تبریزی تاکید می‌کنند «محال است انسان به جز از راه سیدالشهداء علیه‌السلام و اقامه عزا برای ایشان به مقام توحید برسد» و در همان حال تمامی این بزرگواران- از سابق و لاحق- بر انجام تکالیف شرعی و آنچه در رساله‌های عملیه آمده و آورده‌اند اصرار اکید دارند. بنابراین باید از آقای یونسی پرسید که اولا؛ از کدام عرفان سخن می‌گوئید؟ و ثانیا؛ چرا اینگونه مسائل را که متأسفانه در آن ورود ندارید، مطرح می‌فرمائید و ثالثا؛ این موضوع با جمع هموطنان یهودی که مخاطب شما بوده‌اند چه نسبتی داشته و دارد؟!

۲- دستیار ارشد رئیس‌جمهور فرموده‌اند «امروز حکومت بنی‌اسرائیل هم در نسل جدید به آنچه نسل جوان ایران درخصوص همزیستی و اصلاح‌طلبی می‌گوید نزدیک شده است»!

الف: باید از ایشان پرسید که منظورشان از «حکومت امروز بنی‌اسرائیل» کدام حکومت است؟! آیا بنی‌اسرائیل در صحرای آریزونا! قطب‌شمال! جنگل‌های استرالیا! و یا نقطه دیگری از کره‌زمین حکومتی تشکیل داده‌اند که غیر از آقای یونسی هیچ دیاربلبشر دیگری از آن خبر ندارد؟!

به یقین اینگونه نیست و منظور از «حکومت امروز بنی‌اسرائیل»، همان رژیم جعلی و کودک‌کش اسرائیل است که جناب دستیار ارشد رئیس‌جمهور با گشاده‌دستی موجودیت آن را - احتمالا بی‌آن که بخواهند و قطعا بدون آن که بتوانند - به رسمیت شمرده‌اند!

ب: آقای یونسی در این بخش از اظهارات خود-شاید بدون آن که متوجه باشد- زلف رژیم صهیونیستی را با بخشی از اصلاح‌طلبان گره زده است! که اگر منظور ایشان از جوانان اصلاح‌طلب، کسانی است که دارای یک سلیقه سیاسی خاص در چارچوب نظام هستند، باید گفت؛ روح و روان آنها نیز مانند سایر مردم این مرز و بوم از صهیونیست‌های کودک‌کش و جنایتکار بیزار است و فلسطین را متعلق به مردم فلسطین می‌دانند و نه جرثومه‌های فسادی که این سرزمین مقدس را اشغال کرده‌اند و اما، چنانچه منظور ایشان، همان گروه اندک و کم‌شماری است که در جریان فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ و در پوشش ادعای اصلاح‌طلبی دست به وطن‌فروشی زدند، باید گفت؛ این بخش از اظهارات آقای یونسی- بی‌آن که متوجه باشند- قابل انکار نیست و نتانیاهو نیز از آنان با عنوان «بزرگترین سرمایه اسرائیل در داخل ایران»! یاد کرده بود.

۳- آقای یونسی در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: «اگر من آخوند و آن خاخام بگذاریم، همه مردم خوب با هم زندگی می‌کنند.»

این بخش از اظهارات ایشان نیز عجیب و تأسف‌آور است و باید پرسید؛

الف: کدام شخصیت روحانی در داخل کشور علیه هموطنان یهودی سخن گفته و یا در گذران زندگی و انجام تکالیف و آداب دینی آنان مشکلی ایجاد کرده است؟ همانگونه که خاخام‌های ایرانی هم علیه هموطنان مسلمان خود رویه‌ای مشابه داشته‌اند. بنابراین نگاه دستیار ارشد نباید به داخل کشور باشد و اگر باشد، خطای بزرگ دیگری در کنار سایر خطاهای خویش مرتکب شده‌اند.

ب: و اما، اگر منظور ایشان «از من آخوند» و «آن خاخام» مواضع و عملکرد شخصیت‌های روحانی ایران و خاخام‌های ساکن رژیم صهیونیستی است که باید پرسید، کدام شخصیت روحانی در ایران غیر از تاکید بر حق مردم مظلوم فلسطین و ضرورت پایان دادن به رژیم جعلی و کودک‌کش اسرائیل سخنی بر زبان چرخانده و یا بر قلم رانده است؟! آیا جناب یونسی، جنایات رژیم صهیونیستی را انکار می‌کنند؟ و سرزمین فلسطین را متعلق به مردم مظلوم و آواره فلسطین نمی‌دانند؟ و اما، از سوی دیگر، کدام خاخام مخالف رژیم جعلی اسرائیل را می‌توان یافت که فرصت و اجازه حضور در فلسطین اشغالی داشته باشد؟ آیا جناب یونسی نمی‌دانند که خاخام‌های یهودی مخالف رژیم صهیونیستی حق حضور در فلسطین اشغالی را ندارند؟! بنابراین آیا از نظر دستیار ارشد، اعتراض شخصیت‌های متعهد و حق‌طلب روحانی و همچنین اعتراض مشابه برخی از خاخام‌های یهودی به اشغال فلسطین و جنایات بی‌شرمانه صهیونیست‌ها جرم بزرگی است که نباید مرتکب شوند! و به اعتقاد آقای یونسی، همین اعتراض‌های حق‌طلبانه از سوی به قول ایشان «من آخوند و آن خاخام» مانع زندگی آرام مردم است؟

۴- آقای یونسی درباره کوروش، تاریخ باستان ایران و سرگذشت قوم یهود و... نیز اظهارات غیرواقعی دیگری داشته است که می‌گذاریم و می‌گذریم.

حسین شریعتمداری

فیگارو گزارش داد

رقابت شرکت‌های آمریکایی برای ورود به بازار ایران

یک روزنامه فرانسوی طی گزارشی از تلاش روزافزون شرکت‌های آمریکایی برای گسترش روابط با ایران و ورود به بازار این کشور جهت سرمایه‌گذاری در آن خبر داد.

به گزارش فارس، روزنامه فرانسوی «فیگارو» در گزارشی به قلم «جورج مالبرونو» نوشت: در حالیکه مذاکرات سیاسی میان غرب و ایران آغاز شده، شرکت‌های خارجی در حال گسترش تماس‌ها و ارتباطات خود با تهران هستند.

این گزارش می‌افزاید: در بخش اتومبیل، شرکت اتومبیل‌سازی «کرایسلر» پیشنهاد سرمایه‌گذاری در بازار ۷۵ میلیون نفری مصرف‌کنندگان ایرانی را در آغاز ماه مارس و از طریق یک کانال دیپلماتیک تحت موافقت دولت آمریکا به ریاست جمهوری ایران ارائه داده است. با این وجود واشنگتن رسما از شرکت‌های خارجی می‌خواهد تا زمانیکه توافق بر سر عدم وجود تهدید هسته‌ای از جانب ایران حاصل نشده، برای ورود به این کشور عجله نکنند.

بر اساس این گزارش از سوی دیگر شرکت آمریکایی «سیسکو سیستم» تولیدکننده تجهیزات شبکه به عنوان غول صنعت کامپیوتر، درخواست صدور تجهیزات خود به ایران را به خزانه‌داری آمریکا ارائه داده و این درخواست مورد استقبال «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا واقع شده است.

فیگارو در بخشی دیگر از گزارش خود نوشت: «محمد نهاوندیان» به عنوان معمار اصلی گشایش اقتصادی ایران به روی آمریکا که سال‌های زیادی را در آمریکا زندگی کرده، در تلاش برای ایجاد اتاق بازرگانی ایران و آمریکا در تهران است و در نظر دارد مسئولیت اداره آن را یک استاد دانشگاه ایرانی برعهده بگیرد.

به نوشته این روزنامه فرانسوی، شرکت‌های آمریکایی در رویکرد خود در قبال بازار ایران، از امتیاز مهاجران تحصیلکرده ایرانی در آمریکا بهره‌مند هستند که بسیاری از آنها به نمایندگی از شرکت‌های خارج از کشور به ایران سفر می‌کنند.

بر اساس گزارش فیگارو پس از شرکت آمریکایی «جنرال موتورز»، شرکت‌های بزرگ نفتی و شرکت هواپیماسازی بوئینگ نیز در حال آماده‌باش [برای ورود به بازار ایران] هستند. طبق توافق ژنو میان ایران و قدرت‌های غربی، شرکت بوئینگ به تازگی مجوز فروش قطعات یدکی به شرکت هواپیمایی «ایران ایر» به عنوان کهنه‌ترین ناوگان هوایی جهان را دریافت کرده است.

رئیس سابق انرژی اتمی :

آمریکا مواردی که به مذاکرات هسته‌ای ربطی نداشت به ایران تحمیل کرد

رئیس سابق انرژی اتمی تاکید کرد آمریکا وقتی ما را در مقابل خود نرم دید علاوه بر اینکه یک سری موارد را به ما تحمیل کرد موارد دیگری را که ربطی به مذاکرات نداشت را به ما تحمیل کرد.

فریدون عباسی رئیس سابق انرژی اتمی در نشست بررسی توافق ژنو که به همت بسیج دانشجویی دانشگاه شریف برگزار شد، پیرامون فعالیت‌هایش در سازمان انرژی اتمی گفت: در دوره مدیریت بنده سازمان انرژی اتمی تیم مذاکره‌کننده را همراهی می‌کرد و سعی می‌کرد برای تیم مذاکره کننده خوراک لازم را تهیه کند تا آنان با دست پر به مذاکرات وارد شوند. ما در برخورد با ۱+۵ سه سناریو داشتیم. اولین آن برخورد عادی، دومین آن تعاملی و سومین آن تقابلی بود. بر همین اساس اخباری را هم که ما می‌خواستیم مخابره کنیم عواقب آن را بررسی می‌کردیم تا به مذاکرات لطمه‌ای نزند. ما حتی در این خصوص عقبه کارشناسی هم راه انداختیم.

وی تاکید کرد: به یقین به شما بگویم که قوی‌ترین تیم تخصصی و کارشناسی بعد از آمریکا را در این خصوص ما داشتیم و افراد ما از جمله تاثیرگذارترین افراد در آژانس در حوزه تخصصی بودند.

رئیس سابق انرژی اتمی در ادامه تصریح کرد: بر همین اساس در جلسات کارشناسی که بین ایران و ۱+۵ صورت می‌گرفت آنان به بن‌بست می‌رسیدند و هنگامی که در جلسات مذاکره به نتیجه می‌رسیدند و آقای جلیلی اعلام می‌کردند که بنده اختیار کامل دارم تا موضوع را حل کنم خانم وندی شرمن کار را متوقف می‌کرد.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: آنان به ما می‌گفتند شما نفت و گاز دارید انرژی هسته‌ای می‌خواهید چکار اما ما نشان دادیم اگر ما محکم در مواضع‌مان بایستیم آنان عقب‌نشینی می‌کنند. بنده معتقد بودم که باید سطح مذاکرات را بالا می‌بردیم و اگر نیازمان به بالای ۲۰ درصد را با آژانس در میان می‌گذاشتیم همین اتفاق می‌افتاد. دیگر سطح مذاکرات از بحث داشتن یا نداشتن غنی‌سازی بالاتر می‌رفت و باعث می‌شد آنان به ما بگویند که شما چه نیازی در حوزه هسته‌ای دارید تا ما آن را برطرف کنیم.

عباسی پیرامون تولید غنی‌سازی ۲۰ درصد در نطنز گفت: تولید غنی‌سازی ۲۰ درصد در نطنز آسیب‌پذیر بود و دشمن روی آن کار می‌کرد. بر همین اساس ما تمرکزمان را بر روی فردو گذاشتیم و تصمیم گرفتیم ماموریت فردو را به سمت تولید ببریم و میزان تولید ۲۰ درصد را افزایش دهیم که مشاهده کردیم در مذاکرات آخر هم بحث بیشتر در مورد غنی‌سازی ۲۰ درصد بود.

رئیس سابق انرژی اتمی ادامه داد: مسئولان در مذاکرات در قبال مابه ازای ترور من چه چیزی به دست آوردند آنان که هیچ خودمان هم قدر این افراد را نمی‌دانیم. من قصد حضور در دولت روحانی را نداشتم اما وقتی خودمان اینگونه رفتار می‌کنیم دیگر به راحتی می‌توانیم سانتریفیوژها را پلمب کنیم. اشتباه این افراد این بود که فکر می‌کردند می‌توانند بدون استفاده از خرد جمعی و تجارب گذشته تفکرات خودشان را در ارتباط با غرب پیاده کنند و برای آنان مهم نبود که در این مسیر چه چیزهایی را از دست می‌دهند.

وی پیرامون رآکتور اراک گفت: رآکتور اراک یک خودباوری به جامعه ما داد که بخش خصوصی به حاکمیت اطمینان پیدا کند و ما با تعطیل و یا به عقب انداختن راه‌اندازی رآکتور اراک امکان آزمایشات علمی را از دست دادیم و در جامعه حاکمیت باید تضمین‌های لازم را به متخصصان بدهند.

وی ادامه داد: جک استراو باید جواب ترور شهید علیمحمدی را می‌داد چرا این موضوع را در ایران از او مطالبه نکردند. من مطمئن هستم MI6 در این ترور دست داشت اما اینان وارد کشور ما شدند، برگشتند اما هیچ کسی این سؤال را از آنان نکرد.

فریدون عباسی درباره توافق ژنو نیز گفت: در حقیقت ما با این توافقنامه به آمریکا اجازه دادیم که به تمام آرمان‌ها و آمال خود برسد اما ما امیدواریم تذکراتی که به مسئولان داده شد، در دور بعدی مذاکرات مشاهده شود و آنان مانند انسان‌های اولیه نباشند که همه چیز را از صفر شروع کنند و در مذاکرات از تجربیات گذشتگان استفاده کنند.

وی با اشاره به گزارش آمانو در سال ۲۰۱۱ گفت: ما به خاطر آن گزارش آژانس از آنان سند خواستیم اما آنان گفتند که کشورهایی که این گزارشات را به ما دادند می‌ترسند جاسوسانشان شناسایی شوند. در ۲۰۱۴ نیز بعد از توافقی که صالحی و آمانو در سازمان انرژی اتمی انجام دادند ما جلو جلو اقدامات خود را انجام دادیم اما آنان به هیچ یک از تعهدات خودپایبند نبودند. بعد از توافقنامه آمانو در گزارش خود گفت اطلاعات جدید به دست آمده ما را نسبت به اطلاعات قدیم‌مان مصمم‌تر می‌کند. در این مورد آقای ظریف باید پاسخ دهد که مگر چه اتفاقی افتاده است.

رئیس سابق انرژی اتمی درباره عدم نصب بعضی سانتریفیوژها گفت: از اینکه بعضی سانتریفیوژها در دوره آقای جلیلی نصب نشد، به خاطر همان بحث تعاملی در مذاکرات با غرب بود که تیم مذاکره‌کننده ایرانی ابزار لازم را داشته باشد. همچنین قسمتی از آن را به زیرزمین منتقل کردیم تا از حملات هوایی در امان باشد. حال اگر طرف مقابل تقابلی رفتار می‌کرد ما نیز ابزار لازم را در دست داشتیم اما در آن زمان آن سانتریفیوژها را راه نینداختیم تا مذاکرات پیش برود.

عباسی خاطرنشان کرد: جریانی در داخل همان دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تولید سانتریفیوژها را به بهانه ورود نفت جدید متوقف کرده بود و ما از آن طرف شاهد حملات کماندویی دشمن بودیم که این نشان از یک خطای استراتژیک می‌دهد. احمدی‌نژاد در اواخر دولت خود به بنده گفت که بقیه سانتریفیوژها را راه بیندازید که تبعات آن بر عهده من خواهد بود اما روحانی بر این عقیده نبود و ما از وی سؤال کردیم که سانتریفیوژها را راه بیندازیم یا خیر که وی جوابی به ما نداد البته ما در توافق ژنو جواب خود را گرفتیم.

به گزارش فارس، عباسی خاطرنشان کرد: آمریکا وقتی ما را در مقابل خود نرم دید علاوه بر اینکه یک سری موارد را به ما تحمیل کرد موارد دیگری را که ربطی به مذاکرات نداشت را به ما تحمیل کرد.

خبر ویژه

فشار به روحانی برای درگیر شدن در پرونده سران فتنه

یک اندیشکده آمریکایی می‌گوید روحانی از سرکوب آشوب‌های خیابانی سال ۷۸ حمایت کرد.

سوزان مالونی در پایگاه اینترنتی اندیشکده بروکینگز مدعی شد آزمون واقعی روحانی نه در توانایی یا عدم توانایی دستیابی به توافق هسته‌ای در سیاست خارجی بلکه تمرکز روی مسائل داخلی و از جمله حقوق مخالفان سیاسی است.

این تحلیلگر آمریکایی بدون اشاره به رسوایی‌های دولت متبوعش در زندان‌های مخفی گوانتانامو و ابوغریب و ده‌ها زندان مشابه دیگر در اروپا و آسیا می‌نویسد: زندان اوین نماد خشونت همیشگی مورد تایید و حمایت جمهوری اسلامی است کسانی امید داشتند با روی کار آمدن روحانی، موضوع زندانیان و حقوق بشر تغییر کند اما تاکنون شاهد اقدام چندانی نبوده‌ایم. موسوی و کروبی همچنان به خاطر برانگیختن اپوزیسیون در حصر هستند. آنها با نهادهای تئوکرات (مذهبی) تاوان سنگینی پرداختند.

مالونی با بیان این مطلب که روحانی خود یک منتقد احمدی‌نژاد بود اما، مسئله حقوق بشر هیچ‌گاه در دستور کار مبارزه او قرار نداشت، افزود: وی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی سرکوب اعتراضات در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) را در دانشگاه تهران تایید کرد و به منظور جلوگیری از هرگونه ابراز همدردی آشکار با جنبش موسوم به «فتنه»، با دقت و هوشیاری، فضای به مثابه میادین مین سیاسی پس از انتخابات ۲۰۰۹ را پشت سر گذاشت و همچنان از طرح درخواست آشکار آزادی موسوی و کروبی طفره می‌رود.

در ادامه این تحلیل آمده است: معلوم نیست روحانی در قمار سیاست خارجی و چالش هسته‌ای موفق شود اما آزمون واقعی او در سیاست داخلی است نه توافق یا عدم توافق هسته‌ای با غرب(!)

در همین حال خبرگزاری آلمان در تحلیلی نوشت روحانی این روزها به خاطر اهمیت ندادن به موضوع حصر موسوی و کروبی از سوی برخی اصلاح‌طلبان نظیر خاتمی مورد انتقاد قرار دارد. خاتمی در این باره گفته که از دولت روحانی انتظار می‌رفت کشور کمتر امنیتی اداره شود.

شگرد چند لایه برای تخریب و سانسور منتقدان دولت

رئیس‌جمهور تصریح کرد: آنچه من می‌فهمم این است که کشور با تقابل نمی‌تواند در دنیا موفق باشد و راه این دولت راه تعامل سازنده با دنیاست، اما وقتی ما حرف از تعامل سازنده می‌زنیم، می‌گویند می‌خواهید با دنیا بسازید؟ نخیر، پس می‌خواهیم در برابر دنیا خنجر بکشیم.

روحانی که در مراسم معرفی اساتید نمونه سخن می‌گفت، اظهار داشت: آنچه من می‌فهمم این است که راه تقابل با دنیا نمی‌تواند راه موفقیت باشد، من از اول گفتم راه این دولت، تعامل سازنده با دنیاست، تا می‌گوییم تعامل سازنده می‌گویند می‌خواهید با دنیا بسازید؟ نخیر می‌خواهیم بجنگیم، خنجر می‌خواهیم بکشیم! بله، می‌خواهیم با دنیا صحبت کنیم، با منطق صحبت کنیم و مسائل را حل کنیم، ممکن است جایی حل نشود که در این صورت یک راه حل دیگر پیدا می‌کنیم.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: باید افرادی که دنیا، سیاست، حقوق و منطقه را می‌شناسند و عظمت و زجر این ملت را می‌فهمند انتقاد کنند و اشکالات را بیان کنند و بگویند که راه غلط بوده و راه صحیح این است.

شرط اخیر روحانی مبنی بر طرح انتقاد از سوی کسانی که سیاست و حقوق و دنیا را می‌شناسند، علاوه بر دیگر شرط‌هایی است که پیش از این مطرح کرده و به تخطئه منتقدان پرداخته است. او قبلا خود را حقوقدان و منتقدان را سرهنگ توصیف کرده و سپس منتقدان توافق ژنو را عده‌ای بی‌سواد و کم‌سواد که از جاهای خاص پول می‌گیرند، خوانده بود. روحانی همچنین منتقدان را فاقد شناسنامه خوانده و ضمنا با معرفی کردن خود به عنوان فراجناحی، منتقدان را بی‌شناسنامه یا جناحی معرفی کرده است. مجموعه این برچسب‌ها، مهندسی نوعی سانسور علیه منتقدان را تداعی می‌کند.

اما درباره بخش اول سخنان رئیس‌جمهور باید گفت آقای روحانی چندین بار است که اولا به عمد یا سهو چند رژیم مستکبر و شیطانی نظیر آمریکا و انگلیس را به عنوان «دنیا» معرفی می‌کند و ثانیا حامیان عزت و استقلال کشور را به عنوان افرادی که معتقد به درگیری و جنگ با دنیا هستند، جا می‌زند. این رفتار- تخریب منتقدان از طریق تحریف مواضع آنها- طبیعتا رفتار خردمندانه و منصفانه‌ای نیست. هر چند که علت آن را باید در ضعف استدلال‌های دولت جست‌وجو کرد. ثالثا مسیر تعامل و اعتمادسازی، مسیری دوسویه است در حالی که مسیر مذاکرات فعلی، مسیر اعتمادسازی یکطرفه در برابر فشارهای فزاینده غرب می‌باشد و قطعا به راه‌حل نمی‌رسد؛ همچنان که می‌بینیم هم‌اکنون دولت‌های غربی طلبکارتر شده‌اند.

همه قضاوت‌های آقای وزیر این‌قدر عجولانه است؟!

مرور اظهار برخی مقامات دولتی و به‌ویژه وزیر ارشاد از سردرگمی و بلاتکلیفی حکایت می‌کند. علی جنتی چگونه درباره مستندی قضاوت می‌کند که می گوید خود فیلم را ندیده است.

وب‌سایت مشرق با انتشار این تحلیل خاطرنشان کرد: بلاتکلیفی زمانی است که وزیر ارشاد از یک طرف می‌گوید که چنین مستندی را ندیده و از آن سو سعی در نفی آن می‌کند! جنتی ابتدا در توصیفی از این مستند چنین می‌گوید: «این افراد آمده‌اند این توهین‌ها را در قالب سی‌دی مطرح کرده‌اند و در مجامع عمومی در حجم انبوهی انتشار داده‌اند.

اما بلافاصله در پاسخ به این پرسش که آیا خود شما این مستند را دیده‌اید گفت: «من آن را شخصا ندیده‌ام اما مطالبی درباره‌اش خوانده‌ام.» آخر چطور می‌شود وزیر ارشاد بدون دیدن یک مستند و صرفا با شنیدن درباره‌آن به موضع‌گیری پیرامون آن بپردازد؟ یعنی در دستگاه عریض و طویل ارشاد حداقل دو مشاور وجود ندارند که شده به هنگام صرف صبحانه یا عصرانه (!) شرایط تماشای این مستند را برای وزیر فراهم کنند. اگر با وزیر مخابرات روبرو بودیم که از ندیدن این مستند حرف می‌زد ایرادی نداشت همان‌طور که وزیر نفت هم می‌تواند از محتویات چنین مستندی بی‌اطلاع باشد اما از وزیر ارشاد که سیاستگذاری در حیطه کاری‌اش از طریق مشاهده چنین آثاری تعریف می‌شود حداقل انتظار این است که چنین مستندی را دیده باشد اما ایشان در یک بلاتکلیفی آشکار از ندیدن مستند حرف می‌زنند و در کنارش این را می‌گویند که هدف از ساخت این مستند، تخریب است! آخر برادر عزیز! چطور جرأت می‌کنی درباره مستندی که ندیده‌ای و فقط مطالبی درباره‌اش خوانده‌ای به صراحت موضع‌گیری کنی؟!

زیباکلام: دوره موسوی خوئینی‌ها و محتشمی سپری شده است

«زمان موسوی خوئینی‌ها و محتشمی سپری شده و اکنون ناطق نوری و علی مطهری برای اصلاح‌طلبان مهم‌تر از موسوی خوئینی‌ها هستند.»

این تحلیل را صادق زیباکلام عنوان کرد و تصریح نمود برخی چهره‌های سیاسی نظیر موسوی خوئینی‌ها وزن خیلی زیادی ندارند. وی در مصاحبه با آریا افزود: در شرایط فعلی بنده معتقدم فردی مثل آقای خاتمی بسیار تاثیرگذارتر از آقای موسوی خوئینی و علی مطهری بسیار تعیین‌کننده‌تر از آقای خوئینی‌هاست در واقع این دو در یک مقطعی کاربرد داشته‌اند و وزنه سیاسی بوده‌اند اما مشکل اساسی این تیپ افراد این است که نتوانستند سوار قطار دموکراسی‌خواهی شوند که در دوران اصلاحات به راه افتاد و از این قطار جا ماندند.

وی ادامه داد: آینده در گرو جریان دموکراسی‌خواهی است. بنابراین چهره‌ها و شخصیت‌هایی می‌توانند تعیین‌کننده باشند و البته تعیین‌کننده هستند که واقعا در این جریان قرار گرفته باشند و با گفتمان دموکراسی‌خواهی همسو و همراه شده باشند. به طور حتم در مقطعی که موسوی خوئینی‌ها و محتشمی‌پور وزنه سیاسی بودند خاتمی و سیدحسن خمینی مطرح نبودند اما واقعیت این است که از آن زمان عبور کرده‌ایم.

زیباکلام گفت: در شرایط امروز بنده معتقدم فردی چون ناطق نوری برای جریان اصلاح‌طلب خیلی مهم‌تر از موسوی خوئینی‌هاست چرا که بعد از انتخابات ۲۲خرداد ۸۸ فاصله ناطق نوری از اصولگرایان، دشمنان توسعه سیاسی و دموکراسی‌خواهی خیلی بیشتر شده است و به همان میزان به جریان دموکراسی‌خواهی نزدیک شده است.

وی نقش افرادی چون ناطق نوری و علی مطهری را در انتخابات اسفند ۹۴ مهم خواند و گفت: افرادی چون محتشمی‌پور، موسوی خوئینی‌ها، علیرضا علوی‌تبار و چپ سابق یعنی روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت متاسفانه نتوانستند با جریان دموکراسی‌خواهی که به راه افتاد همسو و هم‌جهت شوند و برای آن تلاشی کنند.

زیباکلام تاکید کرد: عامل تعیین‌کننده در انتخابات برچسبی مثل اصلاح‌طلب، چپ، دفتر تحکیم وحدت، اصولگرا و کارگزاران نیست، بلکه مهم این است که در گفتمان دموکراسی‌خواهی افراد چه نقشی داشته‌اند.

یادآور می‌شود زیباکلام در فیلم تبلیغاتی حسن روحانی که در ایام تبلیغات انتخاباتی پخش شد، حضور داشت اما بعدها ضمن فاصله‌گذاری با روحانی گفت که او به شکل تصادفی انتخاب شده است. زیباکلام قبلا این را هم گفته که کسانی چون هاشمی و دیگران به کار دوره‌گذار می‌آیند و پس از آن می‌شود از آنان عبور کرد.

ملک عبدالله بیچاره است عربستان را سعودالفیصل اداره می‌کند

امیر سابق قطر به شدت آل سعود را مورد حمله قرار داده و از نابودی رژیم سعودی ظرف مدت ۱۲ سال سخن می‌گوید.

به گزارش پایگاه السومریه نیوز، نوار ویدئویی از حمد بن خلیفه آل ثانی منتشر شده که طی آن از طرحی برای سرنگونی نظام حاکم بر عربستان از سوی قطر پرده برمی‌دارد. امیر سابق قطر در این نوار ویدئویی می‌گوید: خاندان حاکم بر عربستان رو به زوال است و عربستان و مصر دو کشور عربی مایه ننگ برای عرب هستند.

حمد بن خلیفه می‌افزاید: اگر آمریکایی‌ها در عراق موفق شوند نوبت بعدی عربستان سعودی است. زورگویی سعودی‌ها سبب شده است که احدی با آنها نتواند به تفاهم برسد.

وی احتمال داد که حکومت آل سعود حاکم بر عربستان طی دوازده سال نابود شود زیرا اختلاف شدیدی میان ملک عبدالله و دیگر افراد خاندان در جریان است.

حمد از هماهنگی میان وی و برخی کشورهای عربی قبل از نشست دمشق برای تحریک ضد سعودی خبر داد و از کشورهایی که با عربستان سعودی همکاری می‌کنند و روابط قوی با آن دارند به کشورهای فاقد کرامت یاد کرد و این دو کشور از نگاه امیر قطر، مصر و اردن است.

امیر سابق قطر در این نوار صوتی می‌گوید: ملک عبدالله بیچاره است و سعودالفیصل اداره‌کننده اوضاع می‌باشد.

ماجرای عبرت‌آموز پاسپورت سفیر ویژه رئیس‌جمهور

حمید ابوطالبی دیپلمات ارشد ایرانی که با کارشکنی آمریکا نتوانسته به محل مأموریت خود در مقر سازمان ملل برود، انتخاب شخص رئیس جمهور بوده است.

ابوطالبی بهمن سال گذشته به عنوان نماینده و سفیر رسمی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل معرفی شد اما وزارت خارجه و دولت آمریکا تاکنون در برابر عزیمت وی به نیویورک کارشکنی کرده و از صدور ویزا امتناع نموده‌اند.

در این میان گزارش «دانا» حاکی است ابوطالبی گزینه شخص روحانی بوده و وزارت خارجه نیز این پیشنهاد را پذیرفته است.

ابوطالبی پیش از این انتصاب، معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور بود و از دیپلمات‌های مورد اعتماد رئیس جمهور به شمار می‌رود.

گروکشی غیرقانونی دولت آمریکا در ماجرای ابوطالبی ضمن اینکه دهن‌کجی آشکار به اعتمادسازی یکسویه طرف ایرانی است، صلاحیت رژیم آمریکا در میزبانی سازمان ملل را زیر سؤال می‌برد. با این وجود وزارت خارجه پیگیری این موضوع را مسکوت گذاشته و ظاهراً ترجیح می‌دهد در حباب اعتمادسازی و تنش‌زدایی با شیطان بزرگ رخنه‌ای حاصل نشود!

دولت آمریکا در حالی رأساً در برابر فرستاده دولت ایران کارشکنی کرد که آقای روحانی پس از سفر شهریور ماه سال گذشته به نیویورک در مصاحبه با فایننشال تایمز گفت اوباما را مؤدب و میانه‌رو یافتم.

یکی از شعارهای تبلیغاتی دکتر روحانی در انتخابات سال گذشته بازگرداندن احترام به پاسپورت ایرانی بود اما دست بر قضا اکنون پاسپورت سفیر ویژه او به سازمان ملل، مورد دهن‌کجی مستکبران آمریکایی قرار گرفته و ظ